**بسمه تعالی**

**روایتی نو و عالمانه از گاه شماری**

**نهم ربیع الاول در سال 260 ه-ق**

محمد رضایی آدریانی[[1]](#footnote-1)

در آمد:

نهم ربیع الاول در فرهنگ شیعه از دو جهت شایسته توجه ویژه است:

اول از جهت جایگاه تقویمی و فرهنگی این روز است که ناشی از قرار گرفتن نهم ربیع در مرز دوماه عزاداری محرم و صفر و مناسبت های شاد معصومین در ماه ربیع الاول با محوریت میلاد پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع)، است.

و دیگری از جهت تاریخی و از جهت قرار گرفتن در مرز دو دوره تاریخی مهم در نگرش شیعی به تاریخ است. یعنی قرار گرفتن در مرز خاتمیت دوران حضور تاریخی معصومین در جامعه بشری و شروع دوران غیبت معصوم از جامعه و آغاز پرچمداری دینداران شایسته به نیابت از آخرین معصوم موعود.

و در حقیقت، نهم ربیع به نوعی شبیه روز رحلت حضرت موسی (ع) در آئین یهود و عروج حضرت عیسی (ع) در آئین مسیحیت و رحلت پیامبر اسلام (ص) در نگرش اهلسنت است که در این هر سه نگرش این سه رویداد به معنی خاتمیت و انقطاع کامل رابطه آسمان و زمین است. بدین معنی که در این روز سرانجام جامعه بشری از فیض حضور تاریخی معصومانه مستقیم محروم گردید.

البته در نگرش شیعه نه سالروز رحلت پیامبر (ص) که همراه با خاتمیت است، به معنی خاتمیت مطلقه است (چرا که در کنار خاتمیت شاهد استمرار خط معصومانه امامت هستیم) و نه نهم ربیع و غیبت به معنی انقطاع کامل حضور معصومانه انسان کامل از جوامع بشری است. بلکه غیبت به معنی جدا افتادگی آخرین معصوم موجود از متن جوامع بشری تا زمان نجات است.

اینک که نهم ربیع مرحله ای مهم در تاریخ است شایسته است به جای نگاه لحظه ای و محدود به آن و در بستر تحولات یکی دو روزه و حتی در محدوده یک هفته و ده روز و ... ، آن را در بستر ***گذار از انسان 250 ساله به دوران انسان منتظر 14 قرنه*** نگریست.

با این دید وقتی سخن از گاه شمار نهم ربیع می شود توقع می رود که گاه شماری ارائه گردد که از چند ماه پیش تا چند ماه پس از آن روز تاریخی را شامل شود تا در نهایت ***نهم ربیع نه به عنوان آغازین روز غیبت***

برای تحقق این مهم در این نوشتار تلاش می گردد ابتدا گزارشی از انسان 250 ساله ارائه گردد[[2]](#footnote-2). و سپس گزارشی اجمالی از زندگانی امام عسکری (ع) به عنوان آخرین امام دوران حضور ارائه می شود و در نهایت گاه شمار نهم ربیع فراتر از گاه شمار های موجود، در بستر دورانی 6 ماهه معرفی می گردد.

گاه شماری که 3 ماه آن در دوران حضور و حیات امام عسکری (ع) و 3 ماه ان در دوران آغازین امامت امام دوازدهم و اغازین روزهای دوران غیبت صغری است. و در بستر این گاه شمار توصیفی در کنار ارائه برخی نکات تحلیل تاریخی، می توان بهتر و بیشتر به حقیقت و ارزش روز نهم ربیع پی برد و برای پاسداشت آن اقدام کرد.

**نگاهی کلی به ادوار امامت در بستر انسان 250 ساله:**

ادیان ابراهیمی معتقد به شروع تاریخ بشریت با تاریخ نبوت هستند. یعنی اولین انسان خود پیامبری آسمانی و از آسمان بود. و پس از آن تاریخ بشریت در زیر چتر تاریخ نبوت آغاز می گردد.[[3]](#footnote-3)شیعه در میان فرقه های اسلامی معتقد به امامت امامان دوازده گانه است. بدین جهت از جهت تاریخی هم پیوندی عمیق با تاریخ امامت دارد. تاریخ امامت پس از رحلت پیامبر (ص) سه مرحله کلی دارد. مرحله حضور امامان در جامعه و مرحله غیبت و در نهایت مرحله ظهور پایانی.[[4]](#footnote-4)

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **سیر و ادوار تاریخ، در اندیشه شیعه** | | | | | | | | | | |
| هبوط آدم و حوا | دوران چند هزار ساله رسالت پیامبران | | | | | | دوران امامت امامان | | | |
| دوران پیش از پیامبران اوالعزم | دوران پیامبران اوالعزم | | | | | حضور 11 امام | غیبت | ظهور امام 12 | رجعت |
| نوح | ابراهیم | موسی | عیسی | پیامبر اسلام |

دوران حضور امامان در جامعه، سراسر دوران امات یازده امام از امام علی (ع) تا امام عسکری (ع) را شامل می شود. این دوران 250 سال طول کشیده است. تحلیل گران سیاسی-اجتماعی، این دوران 250 ساله را به دوره های کوچک تری تقسیم بندی کرده اند. البته در فهم دوران 250 ساله باید توجه داشت که این نگاه مبتنی بر قرائت شیعی از اسلام است. یعنی نگاهی که معتقد است که اسلام پس از رحلت پیامبر(ص) تبدیل به خلافتی سکولار و غاصبانه شده است. و خط امامت عملا طرحی مستقل از خط تاریخی خلافت اسلامی خود بنیاد مدعیان مسلمانی بوده است.

با این نگاه به تقسیم بندی دوران 250 ساله می پردازیم:[[5]](#footnote-5)

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **دوره** | **زمانه** | **امامان** | **ویژگی** |
| دوره تلاش برای احیای اسلام | از سال 11 ه-ق تا سال 61 ه-ق | امام علی (ع)  امام حسن (ع)  امام حسین (ع) | تلاش برای بازگرداندن اسلام به مسیر درست و کسب خلافت اسلامی برای هدایت و تعالی تمامی مسلمانان |
| دوره مکتب سازی | از سال 61 تا 148 ه –ق | امام سجاد (ع)  امام باقر (ع)  امام صادق (ع) | نا امیدی از اصلاح جامعه و خلافت اسلامی و تلاش برای باز طراحی مستقل فکری مکتب تشیع خصوصا بر بستر حماسه عاشورا |
| دوره جامعه سازی | 148 تا 220 ه-ق | امام کاظم (ع)  امام رضا (ع)  امام جواد (ع) | تلاش برای طراحی جامعه شیعی بر مبنای اندیشه و ارزشهای شیعی و توسعه و گسترش جوامع شیعی در جهان اسلام |
| دوره آماده سازی برای غیبت | 220 تا 260 ه –ق | امام هادی (ع)  امام عسکری (ع) | تلاش برای آماده سازی جامعه شیعه برای زیستن طولانی مدت در دوران غیبت و بدور از امامان و تحت رهبری سیستم نائبان امام |

اولین مرحله در این نگاه پس از غصب خلافت، راهبرد احیای اسلام برای تمام مسلمانان است. در این مرحله تلاش خط امامت بازگرداندن مسلمانان و اسلام به مسیر درست خود است. این تلاش در ظرف زمانی 50 سال و توسط سه امام صورت می گیرد. این تلاش اگر چه در به تجربه 5 ساله خلافت ظاهری امامان منجر می شود ولی رخداد فتنه ها و توطئه ها و سستی ها و ریزش های فراوان خواص و عوام شاهدی بر نهادینه شدن انحرافات و تحریف های خط خلافت در جهان اسلام است. انحراف ها و تحریف هایی که در نهایت منجر به فاجعه تاریخی عاشورا می گردد. عاشورا به مثابه اعلانی رسمی از سوی جامعه انحراف یافته برای فاصله گیری همیشه از خط اسلام راستین و از اهلبیت پیامبر (ص) است.

دومین مرحله دوره مکتب سازی است. علت طراحی این دوره و جدا شدن رسمی خط تشیع از اسلام ظاهری، رخدادن عاشورا در سال 61 ه-ق است. در عاشورا اسلام اموی با قتل عام اهلبیت پیامبر (ص) تلاش کرد اسلام راستین را برای همیشه از بین برده و قرائت تحریف شده و انحرافی از اسلام را برای همیشه در جهان اسلام نهادینه سازد. به علت مظلومیت و غربت اهلبیت پیامبر (ص) در جامعه اسلامی ، امامان شیعه پس از عاشورا تلاش کردند که برای حفظ مکتب حق بدور از جامعه منحرف شده موجود، نظام و جامعه ای جدید را بر بستر حماسه عاشورا پی ریزی کنند. مکتب جدید شیعه، مکتبی مبتنی بر شور و شعور و سبک زندگی عالمانه و شریعت محور بود. این دوران از زمان امام سجاد (ع) تا زمانه سقوط امویان در سال 132 ه-ق، به مدت 72 سال ادامه یافت.

و بدین گونه در زمانه ای که خلافت اموی در سال 132 ه-ق (75 میلادی) رو به نابودی می رفت و خلافت عباسی بتدریج جایگزین آن می شد، در کنار مکتب غنی و مستقل شیعه انسان هایی جدید به وجود امده و بر الگوی شیعیان راستین اولیه شکل گرفتند و به توصیه امام در محیط های مناسب پراکنده شده و به تبلیغ تشیع پرداختند تا بتدریج جوامع شیعی با هویت ایمانی، علمی و فرهنگی شکل بگیرد.

و بدینگونه سومین مرحله آغاز می گردد که دوره جامعه سازی امامان شیعه است. دوران 90 ساله ای جهت شکل گیری جوامع شیعی که پایه گذار آن امام صادق (ع) در پیچ تاریخی انتقال خلافت از امویان به عباسیان بود و در زمانه ائمه بعد به اوج شکوفایی رسید. در این مرحله برای اینکه این جامعه نوپای شیعه همانند دیگر جوامع اسلامی دچار رهاشدگی و سرگردانی و حیرت و گمراهی نگردد، بتدریج به توصیه امامان در هر منطقه افرادی دانشمند و مدیر و مدبر، رابط بین شیعیان و امامان شیعه قرار گرفتند. به انان وکیل و به صورت جمع، وکلای امامان می گفتند. و بدین گونه بود که سازمان وکالت مدیریت واسطه ای بین امامان شیعه و جامعه شیعه را به عهده گرفتند[[6]](#footnote-6) و به نظم بخشی و انسجام جوامع شیعه در مناطق دور و نزدیک پرداختند. و بدینگونه در زمانی کمتر صد سال جامعه شیعه در قالب یک جامعه علمی و فرهنگی، پدیدار گشت.

و سرانجام زمانه مرحله چهارم رسید که مرحله آماده سازی برای غیبت است. از انجا که طبق احادیث صحیح شیعه و حتی سنّی عدد جانشینان راستین پیامبر(ص) 12 نفر است[[7]](#footnote-7) و از جهت تاریخی هم در آغاز قرن سوم، زمانه به زمان ولادت امام زمان(عج) نزدیک می شد پس مسئله مهدویت خیلی زود تبدیل به مهمترین مسئله هم برای جامعه شیعه و هم برای خلافت عباسی شد. یکی انتظار تحقق اش را می کشید و دیگری در وحشت از ان به سر می برد و این در حالی بود که جامعه اسلامی کمترین اقبال و روی خوش به اهلبیت پیامبر و جوامع شیعی را نشان نمی داد.

پس در این تناقض ها بود که ترکیب مسئله ولادت و ضرورت حفظ از توطئه ها مسئله غیبت را پیش کشید. یعنی دورانی که امام آخرین وجود داشت امام از جوامع بشری غائب می گردید تا در یک روند موازی، هم جوامع حق شیعی به نهایت قوت و استحکام ایمانی و معرفتی خود برسد و هم جوامع بشری در بستر فراز و فرود تاریخی به مرز اضطرار و مطالبه انسان کامل پایانی برسد. در بستر این واقعیات است که تحت رهبری آگاهانه امامان معصوم در مرحله پایانی از انسان 250 ساله جامعه شیعه برای دوران غیبت امام دوازدهم آماده می شود.

آماری تاریخی شاهدی بر پیچیدگی ها و شدت گیری مصاف حق و باطل در این دوران است. چر اکه از دوران ولادت امام جواد (ع) در سال 195 ه.ق تا زمانه به امامت رسیدن امام زمان (عج) در سال 260 ه.ق، 65 سال می گذرد که میانگین سن عمر طبیعی انسانی است. ولی این زمان کوتاه شاهد تولد و امامت چهار امام شیعه است. امامانی که تمامی عددهای آماری زندگی آنان همگی روندی کاهشی داشته و بیانگر جدیت عباسیان در مقابله با مهدویت از معبر ظلم و ستم است:

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| امام | مدت عمر | سن پدر در زمان ولادت | سن در آغاز امامت |
| امام جواد (ع) | 25 سال | 47 سالگی پدر | 7 سالگی |
| امام هادی (ع) | 43 سال | 17 -18 سالگی پدر | 8 سالگی |
| امام عسکری (ع) | 28 سال | 20 سالگی پدر | 22 سالگی |
| امام زمان (عج) |  | 23 سالگی پدر | 5 سالگی |

ولی در برابر این ظلم فزاینده امامان شیعه با کمک همان سازمان وکالت، جامعه شیعه را برای زندگی در دوران غیبت امام آماده می سازند. این دوران به علت شدت و سختی های درگیری های پنهان تنها 40 سال طول می کشد. تا زمانه و انسان 250 ساله سرانجام آماده ورود به دوران غیبت و انتظار بگیردد.

**نگاهی کلی به دوران امامت امام عسکری (ع):**

خلافت عباسی در وحشت از مسئله مهدویت در سال 234 ه.ق امام هادی (ع) و فرزند دوساله اش امام عسکری(ع) را (که در سال 232 ه-ق در مدینه متولد شده بود) به سامرا فراخواند. این اقدام بدستور خلیفه وقت عباسی متوکل انجام شد.[[8]](#footnote-8) سامرا پایتخت جدید و نظامی عباسیان و شهری نظامی بود که در سال 220 ه.ق در شمال بغداد ایجاد شد و محل اسکان لشکریان خلافت شد.[[9]](#footnote-9) با این خصوصیت شهر سامرا تبدیل به یک جامعه نظامی-اطلاعاتی کامل گردید که وقتی فردی بدان تبعید می شد به طور طبیعی در یک سیستم مشاهده-مراقبت اطلاعاتی کامل قرار می گرفت.

با این تدبیر الگوی اطلاعاتی خلافت نسبت به امامان شیعه از الگوی جاسوسی از راه دور (در مدینه) به الگوی مراقبت و نظارت و کنترل اطلاعاتی مستقیم همه جانبه تغییر جهت داد. بدین جهت بدستور متوکل عباسی، امام هادی (ع) و خانواده اش در نزدیکی قصر اسکان داده شد.

در این برنامه ریزی امنیتی- اطلاعاتی، مهمترین اهدافی که از حصر امامان دنبال می شد، موارد زیر بود:

- زندگی امام کاملا زیر نظر قرار گرفته و امام در حصر و کنترل اجتماعی قرار گیرد.

- به علت حصر غیر مستقیم، ارتباط امام با شیعیان شناسائی و قطع گردد. و به جامعه شیعه ظربه ای سخت وارد گردد.

- مسئله زاد و ولد در منزل امام تحت مراقبت شدید قرار گیرد.

در ادامه این راهبرد، تلاش برای نفوذ مستقیم به منزل امام از طریق راهبرد فریب یکی از فرزندان امام هادی (ع)، جعفر، که دچار لغزش و همراهی با عباسیان می گردد، اجرا می شود. و در ادامه سید محمد فرزند دیگر امام هادی (ع) که از شدت صلاح و ایمان مورد توجه جامعه است، در سال 252 ه.ق در جوانی به گونه ای مشکوک در بازگشت از سفر حج و در میانه راه رحلت می کند[[10]](#footnote-10) و در نهایت پس از گذشت نزدیک به بیست سال از اقامت امام هادی (ع) در سامرا وقتی دستگاه خلافت مشاهده می کند از حضور امام در پایتخت نظامی خود نه تنها دستاورد نداشته بلکه باعث انتشار روزافزون محبوبیت امام گردیده است، در وحشت از گسترش نفوذ اجتماعی امام، ایشان را در سال 254 ه.ق به شهادت می رساند.

این رویدادها در حالی رخ می دهد که امام عسکری (ع) تنها گزینه امامت شیعه در سن 22 سالگی است و طبق گزارش های اطلاعاتی هنوز رسما ازدواج نکرده است. پس در نگاه خلافت، جوانی ایشان می تواند فرصت مناسبی باشد که خط امامت به سرعت جمع شود.

امامت امام عسکری(ع) دورانی 6 سال است که با سه خلیفه عباسی هم عصر است به همین دلیل است که امام عسکری (ع) در دوران 6 ساله امامتش حداقل سه مرتبه و هر مرتبه از سوی تک تک آن خلفای سه گانه به زندان افتاده و تهدید به قتل می گردد و تا مرحله اجرای حکم هم پیش می رود ولی تنها شورش نظامیان و یا عجز و نیاز خلیفه است که باعث خنثی شدن آن نقشه های شوم می گردد.. برای فهم بهتر واقعیات این دوران به اجمال با گاه شمار رویدادهای مهم این دوران آشنا گردیم:[[11]](#footnote-11)

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **سال** | **خلیفه** | **رویداد** |
| 254 | معتز | شهادت امام هادی (ع) در ماه رجب و آغاز امامت امام عسکری (ع)  - پیدایش فرقه انحرافی نصیریه پس از شهادت امام هادی (ع)  - تکوین نطفه امام موعود (عج) در حوالی ماه ذی قعده  - اعتراض قمی ها به ظلم و ستم خلافت بر شیعیان قم |
| 255 | معتز | - سرکوب قیام قمی ها در آغاز این سال توسط موسی بغا و مفلح ترک و استغاثه آنان به امام عسکری (ع)  - امام در زندان معتز  - قیام صاحب الزنج و سرگردانی خلافت  - قتل معتز و خلافت مهتدی و آزادی امام عسکری (ع) در اواخر ماه رجب  - تولد مخفیانه امام موعود (عج)  - برنامه های امام برای اطلاع رسانی مخفیانه ولادت در سامرا و عراق و خصوصا برای شیعه قم |
| مهتدی |
| 256 | مهتدی | - امام در زندان مهتدی همراه جمعی از شیعیان  - عزم مهتدی بر قتل امام،  - قتل مهتدی بدست ترکان و آزادی امام  - سفر امام به گرگان (با طیّ الارض) |
| 257 | معتمد | اوج گیری فتنه صاحب الزنج و مشغول شدن خلافت به آن |
| 258 | - اولین سفر قمی ها به سامرا به سرپرستی احمد بن اسحاق  - قیام دیگری از سوی قمی ها سرکوبی مجدد آنان توسط مفلح ترک |
| 259 | - امام در اواخر این سال از مادرش خواست که فرزندش را مخفیانه به حجاز و مدینه ببرد  - امام در زندان معتمد  - خشکسالی و فتنه افروزی نصاری برای نماز باران و پناه بردن خلیفه به امام و آزاد شدن امام از زندان و رفع حیرت از مسلمانان  - گسترش روز افزون محبوبیت امام |
| 260 | - بازگردانده شدن فرزند به سامرا و بیعت گیری امام از 40 نفر از وکلای شیعه  - شهادت امام در آغازین روزهای سومین ماه این سال (ربیع الاول) |

همانگونه در این جدول گاه شماری مشاهده می شود هم امام و هم شیعیان و به ویژه قمی ها در این سال ها روزگاری بشدت سخت را سپری می کنند. و این برآمده از سیاست های نظامی –اطلاعاتی ویژه خلافت است. چرا که در این دوران دستگاه خلافت پس از مشاهده تمامی ناکامی هایش در مسئله نابودی خط امامت و مکتب تشیع، نگران است که ائتلاف امام موعود با قدرت اجتماعی شیعه به براندازی آنان منجر شود. چیزی که این باور را سهل می کند شکنندگی خلافت در ان سال ها در برابر قیام صاحب الزنج و قیام یعقوب لیث صفاری است. بدین جهت عباسیان در یک سیاست موازی هم بر امام و هم بر تمامی مراکز قدرت شیعه و حتی بر شهر دور دست قم به شدت سخت می گیرند. و برای پیشبرد اهدافشان دستگاه و نظام اطلاعاتی-امنیتی ویژه ای را در برابر امام و جامعه شیعه ایجاد می کنند که گزارش مهمترین اقدامات آن دستگاه امنیتی از قرار زیر است:

- ایجاد نظام جاسوسی پیچیده و چند لایه: بدین معنی که در این دوران تمامی گروه های جمعیتی پیرامونی و مرتبط با امام نقش خبرگیری از منزل و روابط امام را به عهده می گیرند. این نظام جاسوسی چند لایه شامل این گروه ها است:

فضای شهری سامرا، نظام اجتماعی همسایه ها ، نظام شغلی اصناف خصوصا اصنافی که می توانند با بانوان منزل در تماس مستقیم باشند (قابله)، نظام روابط فامیلی (جعفر).

گستردگی نظام جاسوسی چنان است که وقتی دستگاه خلافت در مواجهه با امام احساس ناکامی می کند ، ایشان را در سامرا همراه برخی از شیعیان زندانی می کند، در زندان هم در میان زندانیان بر امام جاسوس می گذارد.[[12]](#footnote-12)

- تلاش برای قطع تمامی ارتباط های امام با جامعه شیعه؛ از این رو اولا رفت و آمد امام به بیرون از منزل به حضور در هر دوشنبه و پنج شنبه به قصر خلیفه منحصر میشود تا در این حضور، امام به گونه ای غیر مستقیم و پیوسته تعهد عدم ارتکاب اقدام ضد حکومتی بدهد. در این دو روز مسیر کوتاه بین منزل امام تا قصر چنان آکنده از جاسوسان می گردد تا هرکس به امام ابراز علاقمندی کرد یا نشانی از تشیع داشت به سرعت دستگیر گردد.[[13]](#footnote-13)

- در این سال ها بر جوامع آشکار شیعه نشین فشار و آزار بیشتر می گردد. به گونه ای که شهر قم در ادامه سیاستی که از دوران مامون آغاز شده بود موظف به پرداخت مالیاتی مضاعف است و هر گاه اعتراضی رخ می دهد به شدت سرکوب گشته و حاکمی خشن تر از پیش برای آن دیار منصوب می گردد. تشدید این رویدادها در اولین سال امامت امام عسکری(ع) باعث شد قمی ها مخفیانه دست به دامان امام گردند. کشتار و آزار بر قمی ها در این زمانه هم در آغاز سال 255 و هم در سال 258 ه.ق رخ می دهد.

- شدت مراقبت و تجسس در شهر بغداد هم تا بدان حد است که در سال 256 امام همراه برخی از شیعیان و وکلایش در بغداد که شناسایی و دستگیر شده اند به زندان می افتد.[[14]](#footnote-14) و این رویداد در سابقه دستگاه وکالت کم نظیر است که با تمامی پنهان کاری ها و تجربه ورزی ها، در نهایت برخی از اعضای آن شناسایی و دستگیر شوند. اگرجه دستگیری آنان نفع اطلاعاتی ای برای دستگاه خلافت ندارد.

در این فضای بشدت امنیتی تصور به زندان رفتن امام از همه شگفت تر است. بنا به گزارش های تاریخی خلیفه عباسی ای که اقدام به شهادت امام هادی (ع) می کند معتز نام دارد. او کمتر از یکسال از آغاز امامت امام عسکری (ع) تمامی برنامه های بالا را به اجرا می گذارد. ولی در وحشت از مسئله ولادت امام موعود، برخی رویدادهای اجتماعی را بهانه کرده و در نهایت امام را همراه با برخی از شیعیان دستگیر شده در بغداد و سامرا، در شهر سامرا به زندان می افکند.[[15]](#footnote-15)

مطالعه زندگی امام نشان می دهد که آن حضرت در 6 سال امامت خود سه مرتبه به زندان افتاده است.[[16]](#footnote-16) زمانه و عامل زندان های امام و سرانجام آن به شرح زیر است:

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **امام عسکری (ع) در زندان** | | | |
| زمانه | سال 254 ه.ق | سال 256 ه.ق | اواخر سال 259 ه.ق |
| خلیفه | توسط معتز پیش از تولد امام زمان، به بهانه همکاری با برخی شورشیان | بدستور مهتدی | بدستور معتمد |
| چگونگی پایان | قتل معتز به نفرین امام و آزادی توسط خلیفه جدید | قتل مهتدی به نفرین امام و آزادی توسط خلیفه جدید | آزادی از زندان بواسطه عجز خلیفه در زمانه خشکسالی و نیرنگ نصاری برای دعای باران و نیاز به امام جهت حفظ کیان اسلام و خلافت اسلامی |

این وضعیت بدین معنا است که حکومت عباسی با اجرای اختناق سیاسی و انجام حصر بسیار شدید اجتماعی و ایجاد سیستم اطلاعاتی فراگیر، و حتی ایجاد زندان در شهری نظامی که به معنی نهایت حصر و مراقبت و کنترل است، تلاشی عجیب برای به انفعال کشاندن امام در کنار شناسایی و ضربه زدن به کیان تشیع و جلوگیری از مسئله مهدویت را به اجرا گذاشته است. نشان جدیت آنان در اجرای راهبردهای ضد مهدوی و ضد شیعی، قتل دو خلیفه در زمانی کوتاه به نفرین امام است. چرا که این دو خلیفه بر قتل امام پیش از تولد احتمالی امام موعود اصرار داشتند ولی خود به نفرین امام به قتل رسیدند تا مبادا پیش از زمان مقرر امام به شهادت نرسیده و نور الهی خاموش گردد. و در حقیقت رخداد این دو قتل سیاسی با بهانه های داخلی اما با کارکرد مثبت برای جبهه حق نشان از آن می دهد که در این مقطع ترکیب وضعیت بحرانی جامعه شیعه و اصرار دستگاه خلافت بر نابودی موازی جامعه شیعه و امام موعود باعث پر رنگی عنصر ماوراء در مواجهه اطلاعاتی و در جنگ نرم می گردد. و در حقیقت امام عسکری (ع) در این مقطع حساس به جنگ نرم مبتنی بر دعا و استغاثه خاص به درگاه حق و بهره گیری از امدادهای غیبی (هم برای خود و هم برای شیعیان قم) رو می آورد.

**گاه شمار نهم ربیع الاول سال 260 ه- ق در ظرف زمانی 6 ماهه:**

بنابر آنچه که در مباحث پیشین دانسته شد، سال 259 ه-ق باید یکی از سال های سخت بر امام و جامعه شیعه از جهت فزونی بیش از حد آزارها و فشارها باشد. بدین جهت در این مرحله گاه شمار سه ماهه

پایانی دوران امامت ارائه می گردد تا این واقعیت کشف گردد. و آنگاه در ادامه برای آشنائی با چگونگی گذار شیعه از دوران سخت آخرین آغاز امامت و سربلندی تاریخی آنان با وجود تمامی فتنه ها و دسیسه ها گاه شمار سه ماهه آغاز ین دوران امام امت امام مهدی (عج) ارائه می گردد.

البته مباحث پیش رو شامل دو مرحله است. ابتدا گاه شمار توصیفی در دو مرحله ارائه می گردد و سپس نکات تحلیلی در پایان هر مرحله ارائه می شود. در ضمن یاد آور می گردد که جدول های گاه شماری شاحل سه بخش سفید و سیاه و خاکستری[[17]](#footnote-17) است.

**الف: گاه شمار سه ماهه پیشا نهم ربیع:**

|  |  |
| --- | --- |
| ماه ذیحجه سال 259 هجری قمری | |
| سفید | * مادر امام عسکری (ع) به سامرا آمده و بدستور امام ماموریت می یابد که با عنوان سفر حج حضرت مهدی (عج) را موقتا به حجاز ببرد (اولین سفر حج آن حضرت) * امام ازشهادت خود به ابوهاشم جعفری (از خواص یاران امام و از بزرگان شیعه و سرپرست علویان عراق و رابط انان با دستگاه خلافت) خبر می دهد * امام به احمد بن مصقله یکی از شیعیان، خبر از شک و حیرت شیعه در آینده نزدیک می دهد.[[18]](#footnote-18) * امام توسط خلیفه معتمد به زندان افتاده و زندانبانش فردی به نام علی جرین است که گاه امام را میان حیوانات درنده قرار می دهد ولی امام به سلامت می ماند. * خشکسالی در این سال در جغرافیای اسلامی و خصوصا در عراق و حجاز بیداد می کند پس شیعه جنوب عراق (سواد العراق) به امام به امام متوسل شده و در نهایت بدعایی که امام به آنان می اموزد بر ایشان باران می بارد.[[19]](#footnote-19) |
| سیاه | * خشکسالی و قحطی آخر این سال خصوصا در عراق و حجاز و ایران |
| خاکستری | * در اواخر این سال امام بدستور معتمد به زندان می افتد به گونه ای که کسانی که به قصد حج وارد عراق می شدند امیدی به دیدار امام ندارند.[[20]](#footnote-20) * دراواخر این سال امام وکیلی بنام ایوب بن ناب به منطقه نیشابور می فرستد. ولی معاشرت او با غلات موجب مخالفت فضل بن شاذان از علمای معروف شیعه در منطقه با او شده و امر وکالت و نظام جامعه شیعه در منطقه را دچار تزلزل می کند.   پس امام ابتدا فردی دیگر را بنام ابراهیم بن عبده نیشابوری جایگزین او در وکالت کرده تا مسئله وکالت درمنطقه تقویت گردد. و سپس امام در دیدار با یکی از شیعیان نیشابور بنام اسماعیل بن اسحاق نامه ای خطاب به شیعه منطقه نوشته و از او می خواهد که این نامه را به تمامی وکلایش در عراق و خراسان نشان داده و بر شیعه منطقه بخواند تا ثبات و اطمینان به جامعه شیعه بازگردد.[[21]](#footnote-21) |

|  |  |
| --- | --- |
| ماه محرم سال 260 هجری قمری | |
| سفید | * ماجرای فتنه نصاری در نماز باران و ایجاد شک و حیرت در جامعه و ناچار شدن معتمد در متوسل شدن به امام عسکری (ع)[[22]](#footnote-22) * آزادی امام از زندان در اول این سال به واسطه نیاز خلافت برای رفع شبهه و حیرت از جامعه اسلامی به توسط علم غیبی امام[[23]](#footnote-23) |
| سیاه | * در اوائل این سال یکی از وکلای با سابقه به نام عروه بن نحاس دهقان، دچار انحراف شده و با چپاول اموال امام بنای طراحی فتنه ای جدید را دارد ولی با نفرین امام به سرعت مرگش فرا رسیده و جامعه شیعه از فتنه ای جدید در استانه دوران غیبت نجات می یابد.[[24]](#footnote-24) * در اوائل این سال فضل بن شاذان در نیشابور رحلت می کند و امام در دیدار با یک شیعه خراسانی که در بازگشت از حج به دیدارش آمده، خبر از ارتحال او در همان روزها می دهد.[[25]](#footnote-25) * در آغاز همین سال امام پس از آزادی از زندان، در جلسه ای خصوصی با حضور 40 نفر از شخصیت های برجسته شیعه، هم به معرفی فرزند موعودش به انان پرداخته و هم از آغاز دوران غیبت صغری در آینده ای نزدیک خبر داد و در نتیجه عثمان بن سعید و محمد بن عثمان بن سعید را به عنوان دو نائب اول امام موعود در دوران غیبت معرفی می کند.[[26]](#footnote-26) |
| خاکستری |  |

|  |  |
| --- | --- |
| ماه صفر سال 260 هجری قمری | |
| سفید | * امام در آغاز این سال به معرفی برخی از نشانه های تشیع در آستانه غیبت می پردازد.[[27]](#footnote-27) * کاروانی از قم و اطراف آن با مدیریت احمد بن داود قمی و محمد بن عبدالله طلحی به سمت سامرا راه می افتد ولی کمی پس از راه افتادن نامه ای از امام بدان ها می رسد مبنی بر نزدیک شدن شهادتش و از انان می خواهد که بازگردند و منتظر دستور جانشین اش باشند[[28]](#footnote-28) * آخرین دیدار حکیمه خاتون با امام عسکری (ع) در منزل ایشان در حالی که فرزند ایشان هم حضور دارند.[[29]](#footnote-29) * 23 صفر: امام و فرستادن ابوالادیان خادم به عنوان پیک و نامه رسان به سوی شیعیان مدائن و خبر دادن از طول سفر که 15 روز طول کشیده و در روز شهادتش به سامرا باز می گردد و نشانه های امامت فرزندش را خواهد دید. * بی قراری مادر امام عسکری (ع) در مدینه به واسطه نزدیک شدن زمانی که فرزندش برای شهادت خود به مادر پیشگوئی کرده بود.[[30]](#footnote-30) |
| سیاه |  |
| خاکستری |  |

|  |  |
| --- | --- |
| هفته اول ماه ربیع الاول سال 260 هجری قمری تا زمان شهادت امام | |
| سفید | * مسموم شدن امام در اول این ماه بدستور معتمد خلیفه عباسی[[31]](#footnote-31) * گزارشی از پرستاری عثمان بن سعید از امام در دوران بستری * انتشار خبر بیماری سخت امام در عراق و اهتمام برخی از شیعیان (خصوصا در بغداد که مرکز شیعه در عراق بود) برای رساندن خود به سامرا برای انجام آخرین دیدار با آن حضرت و یا مواجهه با جانشین ایشان (بنا بر اصلی که از اهلبیت فراگرفته بودند که : بر امام جز امام معصوم نماز نمی گذارد)[[32]](#footnote-32) * ابو طاهر محمد بن علی بلالی، از وکلای امام بود که می گوید امام سه روز پیش از شهادتش با فرستادن توقیعی جانشین خود را مجددا به من معرفی کرده و بر منکر وصایت او لعنت فرستاده بود. * امام در شب شهادتش نامه هایی چند برای مدینه (احتمالا خطاب به مادرش و اندک شیعه مدینه) نوشتند.[[33]](#footnote-33) * در شب شهادت امام تنها عقید خادم و بانویی به نام صقیل (و در لحظه شهادت فرزندش هم) حاضر بوده اند. |
| سیاه | * به مجرد انتشار خبر بیماری امام، معتمد خلیفه عباسی گروهی 5 نفره از خواص خود را از جمله نحریر آخرین زندانبان امام را در منزل امام مستقر کرد. و در ضمن پزشکان مخصوصش را هم به بالین امام فرستاد. از قاضی القضات ابن ابی الشوارب هم خواست 10 نفر از معتمدین را بر منزل امام بدارد تا در آینده از شاهدان ارتحال طبیعی امام باشند. |
| خاکستری |  |

|  |  |
| --- | --- |
| روز شهادت امام در 8 ربیع الاول سال 260 هجری قمری | |
| سفید | * شهادت امام در سحرگاه این روز[[34]](#footnote-34) * انتقال مقام عظیم امامت به امام موعود به هنگام شهادت پدر و انتقال مواریث عظیم معنوی و علمی و ملکوتی نبوت و امامت به آن حضرت[[35]](#footnote-35) * غسل و کفن امام در ظاهر توسط عثمان بن سعید وکیل آن حضرت صورت گرفت[[36]](#footnote-36) * اعلان عزای عمومی در شهر و تعطیلی کامل شهر و حضور خلیفه و درباریان و مردم شهر به درب منزل امام * ماجرای نماز گزاردن بر پیکر مطهر امام در داخل منزل در جمع شیعیان و تلاش جعفر برای اقاامه نماز و اعلان جانشینی خود بدینگونه و بهت و حیرت شیعیان و واهمه از انجام واکنش به علت در محاصره بودن منزل * بازگشت ابوالادیان در میانه حوادث و در آستانه آماده شدن پیکر مطهر برای نمازگزاری و شگفتی او از ادعای جعفر برای امامت در نماز و امامت شیعه * حضور ناگهانی و شگفت انگیز کودکی 5 ساله و اقامه نماز در وقار و هیبتی که همه را به خود جذب نموده و ناپدید شدن سریع ایشان، نمازگزاری ای که نشانی آشکار برای مسئله جانشینی نزد شیعه شد و موجب ناکامی و خشم و درماندگی جعفر گردید. * انتقال پیکر مطهر برای نماز گزاری و تشییع به بیرون منزل و تلاش دستگاه تبلیغی خلافت به کمک پزشکان و قاضی و ...، برای تثبیت ارتحال امام به صورت طبیعی[[37]](#footnote-37) * دفن پیکر مطهر در جوار مرقد پدر مظلومش در داخل منزل اهلبیت * پس از دفن امام، یکی از خادمان امام به صورت خصوصی نزد برخی از شیعه که انجا امده و اموالی آورده که به جانشین بر حق امام بدهند رفته و ضمن خبر دادن غیبی از دارائی همراه آنان به جمع آوری اموال موجود به نیابت از امام غائب می پردازد.[[38]](#footnote-38) |
| سیاه | * پس از مراسم دفن، جستجو و تفتیش دقیق و فراگیر توسط ماموران حکومتی جهت یافتن فرزند احتمالی و استفاده از قابله ها برای بررسی احتمالی اندک کنیزان منزل امام و ناکامی آنان در یافتن نشانی از هر گونه فرزندی * خوش خدمتی جعفر در رفتن سریع به دربار و دادن گزارشی مبنی بر رویت شدن و یا احتمال وجود کودکی در منزل امام،[[39]](#footnote-39) پس خلیفه دستور می دهد که بر خدمه منزل امام به شدت سخت بگیرند و در نهایت بانویی با نام صقیل برای رد گم گردن ادعای حملی احتمالی را می نماید و بلافاصله بدستور قاضی ابن ابی الشوارب دستگیر شده و به منزل او انتقال یافته تا تحت کنترل و مراقبت ویژه قرار بگیرد. * هجوم خدمه و غلامان جعفر به منزل و غارت اموال و مصادره منزل امام و اسیر گرفتن خدمه منزل امام به ادعای تنها وارث منزل امام بودن[[40]](#footnote-40) |
| خاکستری | * در این سال در شهرهای اسلام گرانی سختی شد[[41]](#footnote-41) |

**ب: سه ماهه پسا نهم ربیع:**

|  |  |
| --- | --- |
| ادامه ماه ربیع الاول سال 260 هجری قمری | |
| سفید | * مهاجرت همیشگی عثمان بن سعید و خاندانش با عنوان نائب اول پس از سال ها زندگی در سامرا، به بغداد و مستقر شدن در این شهر (در محله شیعه نشین کرخ) که دارای بزرگترین اقلیت شیعه در عراق و مرکز بزرگان شیعه بود. * ورود کاروان شیعه قم و منطقه جبال به سامرا در همان اغازین روزهای پس از رحلت امام عسکری و در زمانی که اوضاع تا حدودی آرام شده بود. پس آنان را در حیرت از شهادت امام عسکری سرگردان می گردند ولی جعفر مدعی امامت می گردد. اما آنان نشانه های امامت را در او نمی یابند و بر حیرت اشان افزوده می گردد تا اینکه چون عزم بازگشت می کنند به گونه ای مخفیانه به منزل امام بازگشته و به دیدار امام موعود نائل شده و پس از مشاهده نشانه های امامت با او بیعت کرده و با اطمینان و ایمانی راسخ به قم و مناطق غربی ایران باز می گردند.[[42]](#footnote-42) |
| سیاه | * تلاش جعفر برای معرفی خود به عنوان امام آخرین شیعه ولی مواجه شدن با رویگردانی شیعه از خود. او از صحنه نماز بر پیکر برادر تا چند روز پس از آن که هنوز جماعتی از شیعیان مسافر در سامرا بودند تلاش فراوانی می کرد تا آنان او را به عنوان آخرین امام بپذیرند. * جعفر پس از ناکامی از جلب توجه جامعه شیعه سامرا و عراق، از خلیفه می خواهد که او را به عنوان امام شیعیان معرفی کند ولی خلیفه او را با سخریه می راند که اگر این امر بدست ما بود که این همه برای مراقبت از امام عسکری به زحمت نمی افتادیم[[43]](#footnote-43) * پس از شهادت امام عسکری (ع) در کنار ادعای جانشینی جعفر، برخی از افراد ضعیف الاعتقاد ادعاهای عجیبی همانند توقف امر امامت در امام عسکری و یا جانشینی جعفر و یا ... مطرح کردند تا از تحیر برخی از شیعه در مسئله جانشینی امام عسکری سوء استفاده کنند، ولی ناکامی سریع جعفر در ادعاهایش و هوشیاری خواص رجال شیعه قم و بغداد و سامرا در ماجرای نماز و یا در آزمودن جعفر و ... باعث شد که اکثر جامعه شیعه در اغاز غیبت صغری چندان دچار سرگردانی بلند مدت و شک و شبهه عمیقی نگردند.[[44]](#footnote-44) * از حامیان جعفر در ادعای امامتش، محمد بن نصیر نمیری رئیس و بنیانگذار فرقه نصیریه بود. ولی رسوا شدن او در ماجرای ادعای امامت سید محمد پس از رحلت او در سال 252 توسط امام هادی، دیگر کمتر زمینه ای برای توجه شیعیان به سوی او باقی نگذاشته بود. نکته جالب در این زمینه این که حتی او پس از مشاهده ناکامی های جعفر در اثبات ادعایش از جعفر فاصله گرفت و پس از مدتی مدعی نیابت از امام عسکری شد.[[45]](#footnote-45) یعنی حتی کسانی که گرد جعفر جمع شدند اصلا از پیکره اصلی جامعه شیعه نبوده و بازماندگان فرقه های انحرافی پیشین بودند[[46]](#footnote-46) که انان هم خیلی زود از او فاصله گرفتند. * جعفر پس از مشاهده ناکامی اش در سامرا و عراق، سعی کرد با نامه نگاری به قم و بزرگ شیعه در قم، احمد بن اسحاق قمی از آنان بخواهد که همانگونه که پیوسته اموال شرعی خود را به برادرش می دادند، اینک آن اموال را به او تقدیم کنند. ولی قمی ها به راهنمایی احمد نامه ای حاوی پرسش هایی چند از او را برایش فرستادند تا اگر جواب داد با او همکاری کنند ولی او در مانده شد پس ...[[47]](#footnote-47) |
| خاکستری |  |

|  |  |
| --- | --- |
| ماه ربیع الثانی سال 260 هجری قمری | |
| سفید | * آمدن مادر امام عسکری از مدینه و حجاز به سامرا پس از شنیدن خبر شهادت فرزند و مواجه شدن با تلاش جعفر برای مصادره منزل و دارائی های امام، پس ایشان با ارائه اصل حق وارثت شرعی خود حتی در دستگاه خلافت منجر به رسوا شدن جعفر و بازگشتن تمامی اموال مصادره شده به خود شد[[48]](#footnote-48) پس ایشان خدمه امام را به منزل آن حضرت بازگردانده و خود ساکن ان منزل گردید. و تا سالیانی که زنده بود منزل امام محل مراجعه شیعه جهت جستجو از اخبار امام عسکری (ع) و فرزند موعود ایشان بود. * حکیمه خاتون هم پس از شهادت امام عسکری (ع) تا مدتها محل مراجعه برخی از شیعه متحیر در سامرا بود تا به انها از مولود موعود بگوید و یا این که برخی از رجال شیعه پس از زیارت مزار دو امام نزدش می رفتند تا از احادیث امام عسکری و حکایات مولود موعود از او بشنوند.[[49]](#footnote-49) * ابوهاشم جعفری نقیب علویان در عراق (با محوریت بغدا و کوفه) بود و برخلاف سال های امامت امام عسکری که گاه به علت دستگیر شدن و یا به علت دیدار با امام مقیم سامرا است در این زمانه در بغداد است (تا سال 61 ق که رحلت می کند) و حضورش در بغداد نقش مهمی در کنترل علویان از ابراز ادعاهای انحرافی و در تثبیت شیعیان بر صراط مستقیم دارد. |
| سیاه |  |
| خاکستری |  |

|  |  |
| --- | --- |
| ماه رجب و ... سال 260 هجری قمری | |
| سفید | * در دوسه ماه آغازین از دوران غیبت صغری، سامرا همچنان محل رفت و آمد برخی از شیعه بی خبر از شهادت امام عسکری (ع) و یا متحیر در مسئله امامت پس از شهادت ایشان است. در این مدت جعفر هنوز امیدوار بود که بتواند برخی از آنان را بفریبد، ولی همگی آنان در اولین مواجهه ضمن عدم مشاهده نشانه های امامت (هیبت و وقار امامت) به امتحان او می پرداختند (امتحان به دانش غیبی و یا آزمایش میزان دانش او و یا امتحان او به احادیث امامان پیشین) و چون جعفر در جواب ناکام می شد، به جستجوی امام راستین بر می آمدند و در این زمان بود که نشانی از امام غائب به انان می رسید و انان را از حیرت می رهانید.[[50]](#footnote-50) * از حسن بن محمد اشعرى نقل شده كه وى گفت: نامه‏هائى از امام حسن عسكرى (ع) در خصوص وكالت جنيد قاتل‏ فارس بن حاتم بن ماهويه و ابو الحسن و شخص ديگرى ميرسيد؛ ولى بعد از وفات آن حضرت، نامه‏اى از صاحب الزمان (عج) رسيد كه ابو الحسن و شخص ديگر را وكيل كرده بود. ولى در باره جنيد چيزى وارد نشد. من اندوهگين شدم، اما چيزى نگذشت كه خبر وفات جنيد رسيد! * گزارش هایی در برخی منابع تاریخی وجود دارد که پس از انتقال عثمان بن سعید به بغداد و تثبیت امر امامت امام موعود برای شیعه قم، در نهایت احمد بن اسحاق قمی برای یاوری نائب اول (با توجه به گستردگی جامعه شیعه ایرانی) به بغداد منتقل شده تا در مقام یکی از سه دستیار ویژه او عمل نماید.[[51]](#footnote-51) |
| سیاه | * پس از شهادت امام عسکری تا مدت ها دستگاه خلافت در جستجوی فرزند احتمالی امام بود، اگر چه هجرت بزرگ شیعه «عثمان بن سعید» از سامرا و بازماندن اهلبیت امام در آنجا، این توهم را برای خلافت ایجاد کرده بود که به احتمال زیاد هیچ جانشینی برای امام عسکری از تبارش وجود ندارد. |
| خاکستری |  |

**نکات تحلیلی:**

1. **جایگاه سلامت و ثبات سازمان وکالت:**

**در این گاه شمار انچه که در مرحله اول باید مورد توجه قرار گیرد مسئله سازمان وکالت است. از این جهت که از یک سو امام در آستانه رخداد قریب الوقوع دوران غیبت که به خودی خود حیرت زا است، مراقب است که مبادا آسیب ها و یا ریزش های این سازمان، باعث ضربه ای مضاعف و جبران ناپذیر از دورن به جامعه شیعه بگردد. بدین جهت دقت های ویژه امام، در نهایت باعث پویایی این سازمان حداقل در سه مرکز عمده شیعه در ان زمان سامرا، بغداد و قم می گردد. و با کمک هوشیاری و دقت و بصیرت این سازمان است که ورود به دوران غیبت با کمترین بحران ها صورت می گیرد.**

1. **مسئله ائتلاف بی سابقه خلافت عباسی و جریان انحرافی:**

**در طول تاریخ تشیع، جریان حق هماره با دوگانه ای باطل مرکب از تهدید مستقیم جریان خلافت از یک سو و جریان های انحرافی داخلی از سوی دیگر روبرو بوده است. دو جریان کاملا متضاد اما با نتیجه و اثر مشترک که ضربه زدن به جریان حق است. ولی در آغاز امامت امام زمان (عج) تراکم توطئه ها تا بدانجا می رسد که دستگاه خلافت با نفوذ در جریان انحرافی منتسب به شیعه، سعی میکند که هجوم و بحرانی فراگیر و محاصره ای کامل برای مکتب و جامعه حق ایجاد کند. بدین جهت یکی از ماموریت های جعفر در این مقطع زمانی می تواند رصد و شناسائی سازمان نیابت و وکالت و حداقل ضربه زدن به ان باشد. ولی درایت و تدبیر نائب اول در انتقال سریع مرکز نیابت از سامرا به بغداد باعث می شود که کانون فعالیت های شیعیان راستین به بغداد و دور از مرکز نظامی و امنیتی عباسیان منتقل شود. و در برابر سامرا به مرکزی برای رفت و آمد گاه و بیگاه افراد متحیر تبدیل بگردد، تا این تصور برای حاکمیت و جاسوس های انان فراهم بگردد که گوئیا جامعه شیعه ضمن نداشتن امامی جانشین، دچار حیرتی نهادینه شده و بزودی از درون متلاشی خواهد شد. این در حالی است که به موازات ضعف عباسیان در برابر شورش های فراگیر و افول ستاره جعفر، بتدریج شاهد نظم و انسجام و رشد تشیع بواسطه راهبری هدایت شده نائب اول هستیم.**

1. **تلاش امام غائب برای اثبات حقانیت خود:**

**شهادت امام عسکری (ع) نقطه شروع دوران غیبت صغری بود. و لازمه رخداد غیبت، پنهان شدن امام از جامعه بود. ولی دوگانه حیرت آغازین و شدت فتنه افروزی مخالفان، باعث می شود که امام غائب در آغازین روزهای امامت خود بیشترین حضور و ظهور را از خود نشان دهد. و البته حضوری که همراه با ارائه نشانه های امامت و ولایت است که نتیجه اش تثبیت ایمان مومنانه و ابطال کید دشمنان است. گزارش گاه شماری ظهور و بروزهای امام در این مقطع چنین است:**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **زمان** | **روز شهادت** | **روز شهادت** | **چند روز اولیه آغاز امامت** |
| **رویداد** | **نماز گزاری** | **مواجهه با ابوالادیان** | **پذیرش کاروان قم و منطقه جبال** |
| **مخاطب و هدف** | **اثبات وجود تاریخی اش به دوست و دشمن** | **اثبات نشانه های امامت** | **اثبات امامت خود برای نمایندگان شیعه ایرانی** |

**سخن پایانی: این که** **اگرچه در منابع فرقه شناسی فریقین ادعای وجود فرقه سازی پس از شهادت امام عسکری (ع) شده است. ولی ضمن اقرار همان منابع به کوتاه بودن عمر این جریان ها، اصولا اغلب این ادعاها با واقعیات تاریخی هماهنگی ندارد. چرا که کانون تحولات در آن زمان در شهر سامرا است. در این شهر هم از یک طرف ائتلاف جعفر با عباسیان راه را برای هر مدعی مزاحم دیگر بسته است. و از سوی دیگر حضور جمع قابل توجهی از نمایندگان شیعه از عراق و ایران هم زمینه را برای اتمام حجت و ثبات ایمانی برای خواص و سپس عوام شیعه فراهم ساخته است. پس زمینه ای برای تکثر و تنوع مدعیان باقی نمی ماند مگر اینکه در دوران گذار اولیه برخی از فرقه های پیشین همانند نصریه یا واقفیه در صدد بازسازی خود برآیند. بازسازی ای که به علت قوت مبانی فکری اندیشه شیعه و حضور قدرتمند بزرگان فکری شیعه، زمینه بروز و عرض اندامی نمی یابد.**

**از انچه که بیان شد دانسته می گردد که از معدود آغاز های امامت در تاریخ تشیع است که با کمترین ریزش ها و بهمراه با یشترین بیعت های خالصانه شیعیان عراق و ایران و دیگر مناطق نسبت به امام موعود بوده است.**

**کتابنامه:**

جاسم محمد حسين / مترجم سيد محمدتقى آيت‏اللهى‏، تاريخ سياسى غيبت امام دوازدهم عجّل الله تعالى فرجه الشريف‏، امير كبير، تهران

. جباری، محمد رضا، 1382، سازمان وکالت موسسه امام خمینی قم

. البخاری ، محمد بن إسماعيل ، 1406 ه. صحیح بخاری، عالم الكتب، بيروت، الطبعة الخامسة

. بيومي مهران ، محمد،، 1995م. = 1374. الامامه و اهل البیت (ع) بیروت : دارالنهضه العربیه

. خزعلى‏، 1424 ق‏، موسوعة الإمام الهادي عليه السلام‏، مؤسسة ولى العصر عجّل الله تعالى فرجه الشريف‏، قم‏

. خزعلى‏، 1426 ق‏، موسوعة الإمام العسکری عليه السلام‏، مؤسسة ولى العصر عجّل الله تعالى فرجه الشريف‏، قم‏

. دوری، عبد العزیز، العصر العباسی الاول، بغداد، 1945م.

. راوندی، قطب الدین، 1409 ه، الخرائج و الجرائح، تحقيق و نشر: مؤسّسة الإمام المهديّ عليه السّلام- قمّ المقدّسة- الطبعة الأولى،

. سعادت، اسفنديار، 1369، مديريت بحران، مجله دانش مديريت، شماره 11، زمستان

. شیخ حر عاملی، 1425 ق، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات‏، بیروت اعلمی

. شیخ صدوق ، کمال الدین،1405، جامعه مدرسین، قم.

. شیخ طوسی، 1411 ق، الغیبه، قم ، دار المعارف الاسلامیه

. شیخ مفید، 1413 ق، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ناشر: كنگره شيخ مفيد، قم‏ ‏

. شيخ صدوق‏، 1395 ق‏، كمال الدين و تمام النعمة، اسلامية، تهران‏

. شيخ كلينى / مترجم آيت الله كمره‏اى‏، 1375 ش، ترجمه اصول کافی ، اسوه‏، قم‏

. طبری ، محمد بن جریر ، 1378 ق ، دلائل الإمامة

. طبري، محمد بن جرير؛ 1387ق ، تاريخ الأمم و الملوك، تحقيق محمد أبوالفضل ابراهيم، بيروت، دار التراث،

. الهداية الكبرى‏، حسين بن حمدان خصيبى‏، ناشر: البلاغ‏، سال چاپ: 1419 ق‏

. فرهنگ مهدویت درالقاب خلفای عباسی، تاریخ انتشار : 1387/2/25، مجله، تاریخ در آینه پژوهش، شماره 1 , فاروق عمر1/ غلام حسن محرّمی

. كشي ، محمد بن عمر، 1384، رجال كشي ، دانشگاه مشهد، مشهد

. نعمانى ، محمد بن ابراهيم ‏، 1397 ق‏، الغيبة، نشر صدوق‏، تهران‏

. یاقوت حموی، 1995 م، معجم البلدان معجم البلدان‏ ، بيروت، دار صادر

. مجلسی، محمد باقر ، 1363 ش ، بحار الانوار. اسلامیه تهران

. مسلم بن الحجاج ، 1398 ه.، صحیح مسلم ، دار الفكر، بيروت، الطبعة الثانية

. موسسه کامپیوتر نور ، نرم افزار سیره معصومان

. نرم افزار موعود، تولید حوزه علمیه اصفهان

. نرم افزار درایه النور، مرکزکامپیوتری علوم اسلامی (نور)

1. . دانش آموخته مرکز تخصصی مهدویت.: a.mohammadrezaei@chmail.ir [↑](#footnote-ref-1)
2. . انسان 250 ساله، نام کتابی با همین عنوان است که از مجموعه سخنرانی های مقام معظم رهبری تدوین گشته است. دیدگاه معظم له در آن سخنرانی ها این است که انسان شیعی انسانی است که در حد فاصل رحلت پیامبر اسلام (ص) تا اغاز دوران غیبت در حدفاصل گاه شماری آغز سال 11 ه-ق تا اغازین ماه های سال 260 ه-ق به مدت 250 سال به طور مستقیم زیر نظر امامان معصوم تربیت یافته و رشد کرده و در نهایت با هویت معارف شیعی شکل گرفته است. پس بین مسلمان غیر شیعی رها شده در دوران پسا خاتمیت و در زیر سلطه خلافت های فاسد و ظالم با انسان تربیت یافته 250 ساله شیعی تفاوت بسیار است. [↑](#footnote-ref-2)
3. . یعنی برخلاف روش تاریخ آموزی در تمدن بشری معاصر و حتی در ایران اسلامی که تاریخ بشری بر محور تمدن های سکولار و نظام های های حکومتی سکولار شناخته می گردد، مبتنی بر نگاه دینی ای که در دعای ندبه هم نظام جامعی یافته، تاریخ با پیامبری آسمانی شروع شده و بر محور پیامبران اوالعزم فراز و فرودهایش تعریف می گردد تا زمانی که سرانجام به دین خاتم برسد. [↑](#footnote-ref-3)
4. . در نگرش تمامی ادیان و مذاهب اسمانی اعم از یهودیت و مسیحیت و اهلسنت، پس از خاتمیت پیامبر خاتم در نزد هر یک از آنان، رابطه آسمان و زمین برای همیشه قطع می گردد. و دینداران بعد از خاتمیت به حال خود رها می شوند تا زمانی که در پایان تاریخ منجی جهانی ظهور کند. آن منجی نزد یهودیت و مسیحیت پیامبر معصوم و بر قرار کننده رابطه آسمان و زمین است. ولی نزد اهسنت او مصلحی معمولی است که تنها رسالتش جهانی سازی اسلام موجود در زمان حال است..ولی در نگرش شیعه خاتمیت به معنی قطع وحی و تمام شدن دین است. ولی رابطه بین آسمان و زمین (عالم غیب و عالم زندگی زمینی) هیچگاه قطع نمی گردد. و رابط هم امام معصوم است. [↑](#footnote-ref-4)
5. . برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک به آثاری همانند: انسان 250 ساله (سخنرانی های مقام معظم رهبری)، امام در عینیت جامعه (نوشته محمدرضا حکیمی) [↑](#footnote-ref-5)
6. . برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: سازمان وکالت، محمد رضا جباری [↑](#footnote-ref-6)
7. . در صحيح مسلم از جابر بن سمره نقل شده كه مي‏گويد «سَمِعْتُ رَسُولَ اللّهِ (ص) يَقُولُ لايَزالُ الاِسلامُ عَزيزاً اِلي اِثْني عَشَرَ خَليفَهً – ثُمَّ قالَ كَلِمَهً لَمْ اَفْهَمْها! فَقُلْتُ لاَبي ما قالَ؟ فَقالَ كُلُهُمْ مِنْ قُريْشٍ!» (صحيح مسلم 3/1453)

   همين حديث در صحيح بخاري با عبارت مشابهي آمده است، جابر مي‏گويد از پيامبر خدا (ص) شنيدم مي‏فرمود: «يَكُونُ اِثْني عَشَرَ اَميراً فَقالَ كَلِمَهً لَمْ اَسْمَعْها ، فَقالَ اَبي اِنَّهُ قالَ كُلُّهُم مِنْ قُرَيْشٍ» (صحيح بخاري، ج 3، جزء نهم، ص 101) [بعد از من دوازده امير خواهد بود، سپس سخني فرمود كه آن را نشنيدم ، پدرم گفت فرمود همة آنها از قريشند].

   همين معني در صحيح ترمذي نيز با تفاوت جزئي ذكر شده و ترمذي بعد از نقل آن مي‏گويد «هذا حَديثَ حَسَنٌ صَحيحٌ» [اين حديث نيكوي، صحيح است]. (صحيح ترمذي 4/501) [↑](#footnote-ref-7)
8. . ارشاد، شیخ مفید، ج2: 311 [↑](#footnote-ref-8)
9. . معجم البلدان، ج۳، ص۱۷۲ و ۱۷۳ [↑](#footnote-ref-9)
10. . بحار الأنوار، ،ج‏۵۰،ص:۲۴۶ [↑](#footnote-ref-10)
11. . برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: موسوعه الامام العسکری، فصل زندگانی امام با خلفای زمانه، یادآور می گردد که تک تک عناوین مذکور در جدول ذیل براساس مطالعه دقیق زندگانی امام عسکری استخراج گردیده است و گزارش تفصیلی این مطالعات بزودی در فاز اول اطلس مهدویت «اطلس زندگانی امام مهدی (عج) در دوران زندگانی امام عسکری (ع) » ارائه خواهد گردید. [↑](#footnote-ref-11)
12. . موسوعه الامام العسکری، ج‏2: 125 و الخرائج راوندی، ج2: 129 [↑](#footnote-ref-12)
13. . حیات فکری سیاسی امامان شیعه، رسول جعفريان‏، 546 [↑](#footnote-ref-13)
14. . الغيبه، طوسى، ص 123 [↑](#footnote-ref-14)
15. . الغيبة، طوسی، ص 208، ح 177 [↑](#footnote-ref-15)
16. . حیات فکری سیاسی امامان شیعه، رسول جعفريان، 542 [↑](#footnote-ref-16)
17. . منظور از خاکستری، جریان ها و یا شخصیت های شیعی و یا معتدل اسلامی ای هستند که در موقعیتی خاص دچار لغزش شده ولی در نهایت در مسیر حق بوده اند. همانند تمام شاگردان علمی ای که گاه نسبت به برخی از احکام به ائمه معترض می بودند و یا در آغاز امامت برخی از ائمه دچار شک و شبهه بوده ولی در نهایت به صراط مستقیم بازمی گشته اند. [↑](#footnote-ref-17)
18. . موسوعة الإمام العسكري(ع)، الخزعلي    ج‏1    335     الرابع - إخباره عليه السلام بالوقائع الآتية: ..... ص : 320 : أحمد بن مصقلة، قال: دخلت على أبي محمّد عليه السّلام، فقال لي: يا أحمد! ما كان حالكم فيما كان الناس فيه من الشكّ و الارتياب؟ ... ثمّ أمر أبو محمّد عليه السّلام والدته بالحجّ في سنة تسع و خمسين و مائتين، و عرّفها ما يناله في سنة ستّين ... [↑](#footnote-ref-18)
19. . موسوعه الامام العسکری ج1 ص 376: أبو جعفر الطبريّ رحمه اللّه: دخل على الحسن بن عليّ عليه السّلام قوم من سواد العراق يشكون قلّة الأمطار، فكتب لهم كتابا، فأمطروا، ثمّ جاءوا يشكون كثرته، فختم في الأرض، فأمسك المطر [↑](#footnote-ref-19)
20. . فَقَالَ لَهُ بُورَقٌ خَرَجْتُ حَاجّاً فَأَتَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عِيسَى الْعُبَيْدِيَّ، وَ رَأَيْتُهُ شَيْخاً فَاضِلًا فِي أَنْفِهِ عِوَجٌ وَ هُوَ الْقَنَا، وَ مَعَهُ عِدَّةٌ رَأَيْتُهُمْ مُغْتَمِّينَ‏ مَحْزُونِينَ‏، فَقُلْتُ لَهُمْ مَا لَكُمْ قَالُوا إِنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ (ع) قَدْ حُبِسَ، قَالَ بُورَقٌ: فَحَجَجْتُ وَ رَجَعْتُ ثُمَّ أَتَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عِيسَى، وَ وَجَدْتُهُ قَدِ انْجَلَى عَنْهُ مَا كُنْتُ رَأَيْتُ بِهِ، فَقُلْتُ مَا الْخَبَرُ قَالَ قَدْ خُلِّيَ عَنْهُ، قَالَ بُورَقٌ: فَخَرَجْتُ إِلَى سُرَّ مَنْ رَأَى (رجال کشی ص 538) [↑](#footnote-ref-20)
21. . نک سازمان وکالت، جباری، ج 2 در ذیل اسامی فوق [↑](#footnote-ref-21)
22. . يك سال در سامرّأ قحطى سختى پيش آمد. «معتمد»، خليفه وقت، فرمان داد مردم به نماز استسقأ (طلب باران‏9 بروند. مردم سه روز پى در پى براى نماز به مصلاّ رفتند و دست به دعا بر داشتند، ولى باران نيامد. روز چهارم «جاثِليق»، بزرگ اسقفان مسيحى، همراه مسيحيان و راهبان به صحرا رفت. يكى از راهبان هر وقت دست خود را به سوى آسمان بلند مى‏كرد بارانى درشت فرو مى‏باريد. روز بعد نيز جاثليق همان كار را كرد و آنقدر باران آمد كه ديگر مردم تقاضاى باران نداشتند، و همين امر موجب شگفت مردم و نيز شك و ترديد و تمايل به مسيحيت در ميان بسيارى از مسلمانان شد. اين وضع بر خليفه ناگوار آمد و ناگزير امام را كه زندانى بود، به دربار خواست و گفت: امت جدت را درياب كه گمراه شدند!

    امام فرمود: از جاثليق و راهبان بخواه كه فردا سه شنبه به صحرا بروند. خليفه گفت: مردم ديگر باران نمى‏خواهند، چون به قدر كافى باران آمده است، بنابراين به صحرا رفتن چه فايده‏اى دارد؟ امام فرمود: براى آنكه ان شأ الله تعالى شك و شبهه را برطرف سازم.

    خليفه فرمان داد پيشواى مسيحيان همراه راهبان سه شنبه به صحرا رفتند. امام عسكرى - عليه السلام - نيز در ميان جمعيت عظيمى از مردم به صحرا آمد. آنگاه مسيحيان و راهبان براى طلب باران دست به سوى آسمان برداشتند. آسمان ابرى شد و باران آمد. امام فرمان دست راهب معينى را بگيرند و آنچه در ميان انگشتان اوست بيرون آوردند. در ميان انگشتان او استخوان سياه فامى از استخوانهاى آدمى يافتند. امام استخوان را گرفت، در پارچه‏اى پيچيد و به راهب فرمود: اينك طلب باران كن! راهب اين بار نيز دست به آسمان برداشت، اما بعكس ابر كنار رفت و خوشيد نمايان شد! مردم شگفت زده شدند. خليفه از امام پرسيد:

    اين استخوان چيست ؟

    امام فرمود: اين استخوان پيامبرى از پيامبران الهى است كه از قبور برخى پيامبران برداشته‏اند و استخوان هيچ پيامبرى ظاهر نمى‏گردد جز آنكه باران نازل مى‏شود. خليفه امام را تحسين كرد. استخوان را آزمودند، ديدند همان طور است كه امام مى‏فرمايد/

    اين حادثه باعث شد كه امام از زندان آزاد شود و احترام او در افكار عمومى بالا رود. در اين هنگام امام از فرصت استفاده كرده و آزادى ياران خود را كه با آن حضرت در زندان بودند، از خليفه خواست و او نيز خواسته حضرت را به جا آورد. (إثبات الهداة، الحر العاملي ،ج‏5 ، ص47) [↑](#footnote-ref-22)
23. . دلیل کشیده شدن زندانی بودن امام به آغاز این سال این عبارت مسعودی است که می نویسد: (إثبات لوصية،المسعودي 253) فلما كان في صفر سنة ستين و مائتين أخذها المقيم‏ و المقعد و جعلت تخرج في الاحايين الى خارج المدينة تجسس الأخبار حتى ورد عليها الخبر حين حبسه المعتمد في يدي علي بن جرين و حبس أخاه جعفرا معه و كان المعتمد يسأل عليّا عن أخباره في كلّ مكان و وقت‏ [↑](#footnote-ref-23)
24. . ابومحمد علیه‏السلام خزانه‏ای داشت که ابوعلی بن راشد خزانه‏دار بود و آن خزانه تسلیم عروه شد و او هر چه را خواست برای خودش برداشت و بقیه را آتش زد و بدین وسیله حضرت ابومحمد خشمگین شد و او را لعنت کرد و بر او نفرین نمود و همان روز و همان شب خداوند مهلتش نداد، و راهی آتش دوزخ کرد، امام علیه‏السلام فرمود: «امشب در پیشگاه پروردگارم چنین و چنان نشستی داشتم و هنوز سفیده صبح ندمیده بود و آن آتش خاموش نشده بود که خداوند عروه را - که خدا لعنتش کند - از پا درآورد و کشت.» : رجال الكشي ،ص:574 [↑](#footnote-ref-24)
25. . قال: فأتيته فجرى ذكر الفضل بن شاذان رحمه اللّه، فقال بورق: ... فدخلت على أبي محمّد عليه السّلام ... فقلت له: الفضل بن شاذان شديد العلّة ... فقال عليه السّلام: نعم! رحم اللّه الفضل. قال بورق: فرجعت، فوجدت الفضل قد توفّي في الأيّام التي قال أبو محمّد عليه السّلام رحم اللّه الفضل‏» (موسوعه ج 1 ص 268) [↑](#footnote-ref-25)
26. . الغیبه ، الطوسی، 353 [↑](#footnote-ref-26)
27. . ابن شعبة الحرّانيّ رحمه اللّه: و قال عليه السّلام لشيعته في سنة ستّين و مائتين:

    أمرناكم بالتختّم في اليمين، و نحن بين ظهرانيكم، و الآن نأمركم بالتختّم في الشمال، لغيبتنا عنكم إلى أن يظهر اللّه أمرنا و أمركم، فإنّه من أدلّ دليل عليكم في ولايتنا- أهل البيت-. فخلعوا خواتيمهم من أيمانهم بين يديه و لبسوها في شمائلهم. و قال عليه السّلام لهم: حدّثوا بهذا شيعتنا «3».

    (3) تحف العقول: 488، س 12. عنه وسائل الشيعة: 5/ 81، ح 5978، و البحار: 75/ 373، ح 16. [↑](#footnote-ref-27)
28. . موسوعه الامام العسکری (ع) 3 ص 442 از الهدایه الکبری نوشته الخصیبی [↑](#footnote-ref-28)
29. . موسوعه، ج 1 ص 54 : قالت حكيمة: فلم أزل أرى ذلك الصبيّ في كلّ أربعين يوما إلى أن رأيته رجلا قبل مضيّ أبي محمّد عليه السّلام بأيّام قلائل، فلم أعرفه. [↑](#footnote-ref-29)
30. . إثبات الوصية، المسعودي، 253 : فلما كان في صفر سنة ستين و مائتين أخذها المقيم‏ و المقعد و جعلت تخرج في الاحايين الى خارج المدينة تجسس الأخبار حتى ورد عليها [↑](#footnote-ref-30)
31. . أبو عليّ الطبرسيّ رحمه اللّه: و كان مرضه عليه السّلام الذي توفّي فيه في أوّل شهر ربيع الأوّل سنة ستّين و مائتين + الشيخ الصدوق رحمه اللّه: و الحسن بن عليّ العسكريّ عليهما السّلام قتله المعتمد بالسمّ‏ [↑](#footnote-ref-31)
32. . بَابُ أَنَّ الْإِمَامَ‏ لَا يَغْسِلُهُ‏ إِلَّا إِمَامٌ مِنَ الْأَئِمَّةِ ع‏ ؛ الكافى، الكليني ،ج‏1،ص:385، و: باب أن الإمام لا يغسله و لا يدفنه إلا إمام و بعض أحوال وفاتهم عليهم السلام : بحار الأنوار، المجلسي ،ج‏27،ص:288 [↑](#footnote-ref-32)
33. . الشيخ الصدوق رحمه اللّه: و وجدت مثبتا في بعض الكتاب المصنّفة في التواريخ، و لم أسمعه إلّا عن محمّد بن الحسين بن عبّاد أنّه قال: مات أبو محمّد الحسن بن عليّ عليهما السّلام يوم جمعة مع صلاة الغداة، و كان في تلك الليلة قد كتب بيده كتبا كثيرة إلى المدينة [↑](#footnote-ref-33)
34. . الشيخ الصدوق رحمه اللّه: ... عن محمّد بن الحسين بن عبّاد أنّه قال: ... مات أبو محمّد الحسن بن عليّ عليهما السّلام يوم جمعة مع صلاة الغداة، [↑](#footnote-ref-34)
35. . در این زمینه ر ک : بحار الانوار 27 ص 291 باب 3 و باب ان الامام متی یعلم انه امام و باب 4 الوقت الذی یعرف الامام الاخیر ما عند الاول [↑](#footnote-ref-35)
36. . الشيخ الطوسيّ رحمه اللّه: ... عن أبي نصر هبة اللّه [بن محمّد] بن أحمد الكاتب ابن بنت أبي جعفر العمريّ ...، أنّه لمّا مات الحسن بن عليّ عليهما السّلام‏ حضر غسله عثمان بن سعيد رضي اللّه عنه و أرضاه، و تولّى جميع أمره في تكفينه، و تحنيطه، و تقبيره مأمورا بذلك ... [↑](#footnote-ref-36)
37. . ابو عيسى فرزند متوكل به دستور معتمد جلو افتاد و بر پیکر امام نماز خواند. پس از پايان نماز كفن را از رخسار امام كنار زد و به علويان و عباسيان، سرداران سپاه، دبيران ديوان، رئيسان ادارات دولتى، قاضيان و پزشكان نشان داد و گفت:

    «اين حسن بن على بن محمّد بن على الرضا- عليهم السّلام- است كه به مرگ طبيعى در بستر خود و در برابر كارگزاران امير المؤمنين و افراد مورد اعتماد مانند فلانى و فلانى و اين قاضيان و پزشكان، جان سپرده است!». [↑](#footnote-ref-37)
38. . قال: فخرج الخادم، فقال: معكم كتب فلان و فلان (و فلان)، و هميان فيه ألف دينار و عشرة دنانير، منها مطلّية.

    فدفعوا إليه الكتاب و المال و قالوا: الذي وجّه بك لأخذ ذلك هو الإمام [↑](#footnote-ref-38)
39. . فدخل جعفر بن عليّ على المعتمد، و كشف له ذلك فوجّه المعتمد بخدمه فقبضوا على صيقل الجارية، فطالبوها بالصبيّ، فأنكرته، و ادّعت حبلا بها لتغطّي حال الصبيّ [↑](#footnote-ref-39)
40. . سمعت أبا الحسين الحسن بن وجناء يقول: حدّثنا أبي عن جدّه أنّه كان في دار الحسن ابن عليّ عليهما السّلام فكبستنا الخيل، و فيهم جعفر بن عليّ الكذّاب، و اشتغلوا بالنهب و الغارة ... [↑](#footnote-ref-40)
41. . ترجمه طبری 15، 6443: - در اين سال در بيشتر شهرهاى اسلام گرانى سخت شد و چنانكه گفته‏اند بيشتر كسانى كه به مجاورت در مكه بودند از شدت گرانى سوى مدينه رفتند و عاملى كه در مكه بود، يعنى بريه، از آنجا برفت. در بغداد نيز قيمت گران شد، ... و اين، چند ماه دوام يافت. [↑](#footnote-ref-41)
42. . ترجمه كمال الدين ج‏2 ص 226 [↑](#footnote-ref-42)
43. . وَ لَمَّا دُفِنَ جَاءَ جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ أَخُوهُ إِلَى أَبِي فَقَالَ اجْعَلْ لِي مَرْتَبَةَ أَخِي وَ أَنَا أُوصِلُ إِلَيْكَ فِي كُلِّ سَنَةٍ عِشْرِينَ أَلْفَ دِينَارٍ فَزَبَرَهُ أَبِي وَ أَسْمَعَهُ مَا كَرِهَ وَ قَالَ لَهُ يَا أَحْمَقُ السُّلْطَانُ أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَهُ جَرَّدَ سَيْفَهُ فِي الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّ أَبَاكَ وَ أَخَاكَ أَئِمَّةٌ لِيَرُدَّهُمْ عَنْ ذَلِكَ فَلَمْ يَتَهَيَّأْ لَهُ ذَلِكَ فَإِنْ كُنْتَ عِنْدَ شِيعَةِ أَبِيكَ وَ أَخِيكَ إِمَاماً فَلَا حَاجَةَ بِكَ إِلَى السُّلْطَانِ لِيُرَتِّبَكَ مَرَاتِبَهُمْ وَ لَا غَيْرِ السُّلْطَانِ وَ إِنْ لَمْ تَكُنْ عِنْدَهُمْ بِهَذِهِ الْمَنْزِلَةِ لَمْ تَنَلْهَا بِنَا فَاسْتَقَلَّهُ أَبِي‏ [↑](#footnote-ref-43)
44. . البته در این زمینه عده ای ادعای تفرق شیعه بعد از شهادت امام عسکری کرده اند بدنگونه که : سعد بن عبدالله قمی : 15 فرقه گفنه و نوبختی و مفید : 14 فرقه و مسعودی 20 فرقه و شهرستانی 11 فرقه (فرق الشیعه 79 الفصول المختاره مفید 258-260 مروج الذهب مسعودی 2- 599 الملل و النحل شهرستانی 130-131) : ولی به نظر می رسد ضمن این که این ادعاها اصولا از جهت فرض ذهنی درست در نمی اید زیرا با وجود انحصار مدعیان در جعفر و فرزند غائب و جریان نصریه و احتمالا واقفیه، اصولا تصور تفرق بیش از 5 احتمال امری عجیب و بدون تصور در بستر واقعیات تاریخی-کلامی است. ثانیا که در کنار این ادعاها اصولا هیپ نشانی از گزارش های تاریخی از ان فرق موهوم وجود ندارد. و ثالثا که بلوغ انسان شیعه 250 ساله با این تحیر فراگیر سازگار نیست خصوصا که با اتمام حجتی که امام عسکری در سال پایانی امامتش دارد و حضور آشکاری که فرزند موعود در مسئله نماز دارد. [↑](#footnote-ref-44)
45. . الخلاصةللحلي ص : 274 [↑](#footnote-ref-45)
46. . قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَّالٍ‏ وَ كَانَ مِمَّنْ يَقُولُ بِإِمَامَةِ جَعْفَرٍ بَعْدَ أَبِي مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ كَانَ قَبْلَ ذَلِكَ مُخْطِئاً أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى جَعْفَرٍ يَسْأَلُهُ عَنْ حَقِيقَةِ أَمْرِهِ وَ كَتَبَ أَنَّ أَخِي أَبَا مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) كَانَ إِمَاماً مَفْرُوضَ الطَّاعَةِ وَ أَنِّي وَصِيُّهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ إِمَامٌ لَا غَيْرُ (الهداية الكبرى، الخصيبي ،ص:383) [↑](#footnote-ref-46)
47. . إِنَّ جَعْفَراً كَتَبَ إِلَى أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْقُمِّيِّ يَطْلُبُ مِنْهُ مَا كَانَ يَحْمِلُهُ مِنْ قُمْ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ وَ اجْتَمَعَ أَهْلُ قُمْ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ وَ كَتَبُوا لَهُ كِتَاباً جَوَاباً لِكِتَابِهِ وَ ضَمَّنُوهُ مَسَائِلَ يَسْأَلُونَهُ عَنْهَا وَ قَالُوا تُجِيبُنَا عَنْ هَذِهِ الْمَسَائِلِ كَمَا سَأَلُوا عَنْهَا سَلَفُنَا إِلَى آبَائِكَ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) ... حَتَّى نَحْمِلَ إِلَيْكَ حُقُوقَ الَّتِي كُنَّا نَحْمِلُهَا إِلَيْهِمْ فَخَرَجَ الرَّجُلُ حَتَّى قَدِمَ الْعَسْكَرَ فَأُوصِلَ إِلَيْهِ كِتَابٌ وَ أَقَامَ عَلَيْهِ مُدَّةً يَسْأَلُ عَنْ جَوَابِ الْمَسَائِلِ فَلَمْ يُجِبْ عَنْهَا وَ لَا عَنِ الْكِتَابِ بِشَيْ‏ءٍ مِنْهُ أَبَداً. (الهداية الكبرى، الخصيبي 383) [↑](#footnote-ref-47)
48. . الشيخ الصدوق رحمه اللّه: ... عن محمّد بن الحسين بن عبّاد أنّه قال: ...

    قدمت أمّ أبي محمّد عليه السّلام من المدينة، و اسمها حديث حين اتّصل بها الخبر إلى سرّ من رأى، فكانت لها أقاصيص يطول شرحها مع أخيه جعفر، و مطالبته إيّاها بميراثه و سعايته بها إلى السلطان [↑](#footnote-ref-48)
49. . قالت حكيمة: فمضى أبو محمّد عليه السّلام بعد ذلك بأيّام قلائل، و افترق الناس كما ترى، و و اللّه! إنّي لأراه صباحا و مساء، و إنّه لينبئني عمّا تسألون عنه، فأخبركم، [↑](#footnote-ref-49)
50. . الحسن بن عيسى العريضيّ أبي محمّد، قال: لمّا مضى أبو محمّد عليه السّلام ورد رجل من أهل مصر بمال إلى مكّة للناحية، فاختلف عليه، فقال بعض الناس: إنّ أبا محمّد عليه السّلام مضى من غير خلف، و الخلف جعفر. و قال بعضهم: مضى أبو محمّد عن خلف فبعث رجلا يكنّى بأبي طالب. فورد العسكر و معه كتاب، فصار إلى جعفر و سأله عن برهان، فقال: لا يتهيّأ في هذا الوقت، فصار إلى الباب و أنفذ الكتاب إلى أصحابنا، فخرج إليه: آجرك اللّه في صاحبك فقد مات، و أوصى بالمال الذي كان معه إلى ثقة ليعمل فيه بما يحبّ و أجيب عن كتابه‏. (الكافي: 1/ 523، ح 19) [↑](#footnote-ref-50)
51. . نک سازمان وکالت، ج 2، شرح حال احمد بن اسحاق قمی [↑](#footnote-ref-51)